

امنیت ایران و قضیه افغانستانی که در اشغال آمریکاست



دکتر شاپور رواسانی

سازمان یافته تر، زیرکانه تر و مسلح تر از گذشته به جنایاتش ادامه می دهد و از کشتن زنان و کودکان بی پناه و اسراء دریغ ندارد و مدرن ترین سلاح هایش را در جوامع فقیرزده بر روی مردم محروم و فقیر، آزمایش می کند؛ بیش از آنکه نشانه عدم توجه و یا عدم فهم ماهیت سرمایه داری استعماری و برنامه هایش در آسیا، آفریقا و به خصوص مناطق نفت خیز جهان باشد، موضع و اظهارنظری در جهت حفظ منافع طبقاتی و وابستگی طبقاتی است، طبقه و گروهی که در دهه های اخیر به برکت سیاست اقتصادی "تعدیل" در اقتصاد و سیاست ایران ثروت یافته اند و موضع شان درباره "قضیه" افغانستان با موضع شان درباره جهانی سازی سرمایه داری و خصوصی سازی سرمایه داری در روابط بین المللی و جامعه ما کاملاً منطبق و هم آهنگ است.

نه فقط با بررسی تاریخ جهان و مستعمرات، بلکه با کمترین توجه به تاریخ ایران در دوره ای که با نفوذ و سلطه سرمایه داری استعماری آغاز شده، می توان دریافت که در هیچ برهه زمانی و در هیچ مورد و مساله ای منافع جوامع مستعمراتی و منافع جامعه ما با منافع و خواست های دول و محافل سرمایه داری استثماری و در این رابطه آمریکا، منطبق نبوده و نیست و بر این روابط، سایه جنایات سرمایه داری سنگینی می کند.

هنوز مردم جامعه ما، خاطره کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را فراموش نکرده اند. البته با فرار از تحلیل طبقاتی جامعه، با انکار وجود طبقات و اختلاف طبقاتی در جامعه ما و این حقیقت که اختلاف و تضاد آشکاری میان منافع و خواست های طبقات ثروتمند و مرفه (اقلیت) کشورها و طبقه زحمتکشان تهیدست (اکثریت) جامعه ما وجود داشته و دارد و یا بکاربردن ترفندهای تبلیغاتی می توان منافع و خواست های یک اقلیت را به عنوان منافع و خواست های اکثریت مردم جا زد. اما حقیقت این است که نمی توان با همه سخنرانی های سیاسی، منافع و خواست های استثماری شوندگان، محرومین و نفرین شدگان زمین را با منافع و خواست های استثماری و استعمار کنندگان و غارتگران زمین منطبق دانست.



آی رفتار مقاماتی که وضعیت کنونی افغانستان و حضور نیروهای

آمریکایی در آن را "پیروزی دیپلماسی ایران" می دانند، با خواست گروه هایی که فریاد مرگ بر آمریکا می کشند، در تضاد نیست؟

آمریکا، که سال هاست تروریسم را در سراسر جهان اعمال و تقویت می کند و کودتاچیان و همکارانش را به حکومت و دولت و ثروت می رساند و به بهانه مبارزه با تروریسم به ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان و چند کشور دیگر آسیای مرکزی، مانند قرقیزستان پرداخته و با قزاقستان پیمان همکاری استراتژیک پیرامون راه های صادرات نفت از شرق به غرب منعقد کرده، در "قضیه" افغانستان اشتراک و یا انطباق منافع داشت!!

چنین برخوردی با مساله امپریالیسم سرمایه داری که امروزه خشن تر و

بررسی اظهارنظرهای رسمی و غیررسمی ارائه شده از جانب مطبوعات و مقامات مسول کشور ما در باب هجوم نظامی آمریکا و یارانش به افغانستان نشان می دهد که به نظر بخشی از این نظریه پردازان و مسوولین، گویا دیگر پدیده ای به نام امپریالیسم سرمایه داری وجود ندارد، دوره مبارزه مردم محروم مستعمرات علیه غارتگری های سرمایه داری جهانی گذشته و تلاش علیه امپریالیسم سرمایه داری و خشونت و غارتگری های امپریالیسم آمریکا را باید جزیی از اشتباهات و یا گناهان دوران گذشته دانست و گویا می توان با سرمایه داری

خواهد بود. احتیاج به توضیح ندارد که این امر ممکن است منجر به حضور دایم نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان و یا لااقل تا زمانی که دولت دست نشانده به اندازه کافی قوی و قادر به حفظ منافع آمریکا در منطقه نشده است، بشود.

به نظر می‌رسد آقای کرزای و یارانش می‌توانند مطمئن شوند که آمریکا و افغانستان تا زمانی که نتوانند یک دولت و حکومت دست نشانده را با تقویت یک طبقه وابسته به استعمار سرمایه داری تحکیم و تثبیت کنند از افغانستان خارج نخواهند شد و چه بسا مانند کویت به استقرار یک پایگاه نظامی دایمی - برای برخورد با هر نوع احتمال و حفظ امکان اعمال فشار به کشورهای همسایه افغانستان - در این سرزمین اقدام کنند.

بر طبق اخبار مندرج در مطبوعات، اسلام‌آباد با حضور بلندمدت و دایم نیروهای آمریکا در پاکستان - با واگذاری پایگاه هوایی - موافقت کرده است (۳) و این امر خود به تنهایی پرده از مقاصد نهایی دول سرمایه داری

ناگفته می‌ماند که بر سر کار آمدن دولت موقت جدید در افغانستان، مرهون بمب‌های سنگین آمریکا و تانک‌های روسی است و دولت جدید به طور عمده از چند تن شیک پوش، مرفه و خارجه نشین تشکیل شده و کسانی در آن شرکت دارند که به همکاری با آمریکا افتخار کرده و می‌کنند.

آقای حامد کرزای نخست وزیر دولت موقت افغانستان که از سال ۱۹۸۰ به بعد با برادران خود به اداره رستوران در چند ایالت آمریکا اشتغال داشت (۱) و تحت حمایت سازمان جاسوسی سیا قرار دارد، نه فقط از دولت آمریکا خواسته که مانند گذشته افغانستان را رها نکند بلکه وعده داده است که افغانستان دوست و متحدی قابل اعتماد برای واشنگتن باشد و به نظر می‌رسد در این جهت است که با تاسیس دفتر سیا در افغانستان موافقت کرده (۲) و اعلام کرده تا زمانی که عناصری از تروریسم در افغانستان وجود داشته باشد، حضور نیروهای حافظ صلح و مخصوصاً آمریکا در این کشور ضروری

هدف اصلی امپریالیسم سرمایه داری از تجاوز به حق حیات و حرمت انسانی مردم فقیر افغانستان، چه در گذشته با واسطه طالبان و چه در حال حاضر، به صورت مستقیم و بدون طالبان و با کرزای و شرکاء، بدست آوردن منافع اقتصادی و سلطه بر منابع نفت و گاز آسیای مرکزی و کشورهای ساحل دریاچه خزر بوده و هست و در استراتژی و تاکتیک سلطه با تعویض کارمندان بی وفا و خودسر با کارمندان مطیع جدید، تغییری در اهداف اولیه و اصلی ایجاد نکرده است.

با بررسی جغرافیای اقتصادی و توجه به فعالیت شرکت های بزرگ نفتی استعماری به خوبی می‌توان دید و درک کرد که هدف آمریکا و یارانش سلطه بر منافع نفتی و تهدید نظامی مستقیم ایران است. در "قضیه" افغانستان در حالی که مقامات مسوول کشور ما و رهبران احزاب و گروه‌هایی که خود را اصلاح طلب و دوم خردادی لقب داده‌اند، از پیروزی دیپلماسی ایران در افغانستان و پیروزی مردم افغانستان سخن می‌گویند،



هم کاسه شده و پاکستان به صورت ملک موروثی آمریکا در آمده و آمریکایی هادر کویت هم حضور دارند، آیا این نغمه شوم را که پس از افغانستان نوبت سایر کشورهاست، نمی شنویم؟ آیا حمله ناوهای آمریکایی به کشتی نفت کش ایران، خطراتی تلقی نمی شود؟ آیا آوردن محمد ظاهر از پستوی گرم به افغانستان و تشکیل دولتی از روشنفکران مطیع، زنگ خطری نیست؟

آیا دلیل این رفتار مسوولین قوم، بی اطلاعی از تاریخ جهان و ایران و ماهیت سرمایه داری استعماری است؟ و اینکه وابستگان طبقه جدیدی که به برکت سیاست تعدیل به قدرت اقتصادی و سیاسی رسیده اند و بخشی از انقلابیون سابق در جهت تکمیل برنامه جهانی سازی و خصوصی سازی سرمایه داری و تشویق ورود سرمایه داری خارجی به ایران، به نوعی کنار آمدن تن در داده اند؟

به نظر می رسد آرزو و امید آن گروه از سرمایه داران وطنی که تصور می کردند (با خوشحالی پنهانی از تشکیل دولت موقت) خواهند توانست از بازار آشفته افغانستان بهره برداری نمایند، بی جا بود، زیرا براساس طرح پیشنهادی سازمان ملل، ایران در فهرست کشورهای شریک در بازسازی افغانستان گنجانده نشده است.. (۷)

ممکن است مصالح و منافع ده درصد از جمعیت ایران که نود درصد نقدینگی را در اختیار دارند، در "قضیه" افغانستان با منافع آمریکا منطبق باشد، اما مصالح و منافع اکثریت مردم محروم و زحمتکش ایران با استعمارگران خارجی و استثمارگران داخلی در هیچ مورد و مساله و "قضیه ای" انطباق نخواهد داشت و نمی تواند داشته باشد.

پی نوشت ها:

۱. مجله گزارش، شماره ۱۳۰
۲. توسعه، ۴ دی ۱۳۸۰
۳. انتخاب، ۲۶ آذر ۱۳۸۰
۴. کیهان، ۲۲ آذر ۱۳۸۰
۵. سیاست روز، ۲۹ آذر ۱۳۸۰
۶. عصر ما، ۱۰ آذر ۱۳۸۰
۷. ابرار اقتصادی، ۷ دی ۱۳۸۰

خارج نشین بافته شود، طبیعی است که نمی توان از دخالت و نمایندگی مردم سخن گفت، تا چه رسد از پیروزی مردم!

طبق مندرجات جراید، آقای حامد کرزای که در مقابل خبرنگاران دست پادشاه سابق افغانستان (محمد ظاهر) را بوسیده، (۵) یک سرمایه دار افغانی الاصل است که دارای هویت آمریکایی است و خواستار حضور نیروی نظامی آمریکا در افغانستان.

با توجه به خواست دولت موقت افغانستان برای ادامه حضور نیروی نظامی آمریکا و پیشرفت قدم به قدم دولت آمریکا در اجرای طرح حضور نظامی در آسیای مرکزی (۶) و



سلطه بر منابع نفت و گاز این منطقه "چگونه می توان ادعای وزارت خارجه ایران و پاره ای از مسوولین کمیسیون های مجلس را داین بر پیروزی دیپلماسی ایران پذیرفت؟ آیا به نظر این مقامات محترم، خطری امنیتی ملی ما تهدید نمی کند؟ آیا رفتار این مقامات با خواست های مردمی که فریاد "مرگ بر آمریکا" می کشند، در تضاد نیست؟

با کمترین توجهی به نقشه جغرافیا می توان دید که در صورت حمله آمریکا به عراق، محاصره ایران از جانب این دولت و یارانش در ناتو - که شریک دزدند - کامل خواهد شد.

ترکیه با آمریکا و اسرائیل همکاری می کند، جمهوری آذربایجان با ناتو و اسرائیل،

استعماری در منطقه بر می دارد.

در حالی که مقامات وزارت خارجه ایران از تصمیمات اجلاس بن به شدت حمایت کرده اند، دایم از تشکیل دولت فراگیر در افغانستان سخن گفته و به میانجی گری های خود در این اجلاس افتخار می کنند. "برهان الدین ربانی" رییس دولت (سابق) اسلامی افغانستان در باره این اجلاس گفته بود: "در اجلاس بن برای حامد کرزای وزیرانی معرفی شدند که خود کرزای برخی از آن ها را نمی شناسد و خطاب به نماینده سازمان ملل: "... حکومتی که در خارج از افغانستان بافته شود، غرور ملی مردم افغانستان را

جریحه دار می کند و این اقدام شما توهین به ملت و رهبران جهادی افغانستان بود." (۴)

ممکن است گفته شود که این اظهارات ناشی از آن است که دولت آمریکا و شرکت کنندگان در اجلاس بن که به مباشرت دولت آلمان تشکیل شد، ایشان را - که تاریخ مصرفشان تمام شده - کنار گذاشته اند و پس از انجام پاره ای موافقت ها و جلب رضایت های ایشان به دفاع از دولت موقت خواهند پرداخت، اما در همان حال نمی توان انکار کرد که در بیانات ایشان حقیقت روشن و تلخی نهفته است.

وقتی ترکیب یک دولت بدون دخالت مردم یک کشور، با هدایت و میانجی گری چند دولت خارجی و چند گروه مرفه، ثروتمند و وابسته